

به ارتباط بازداشت قانونی و ضیا مسعود در دوبي

((مقامات امنیتی در مرکز افغانستان، از توقیف بیش از 15 لاری حامل سنگهای معدنی با ارزش که به خارج از این کشور منتقل می شد خبر دادند. بگفته مقامات پلیس ولایت غزنی، چند نفر از قاچاقچیان در این رابطه بازداشت شدند اما بر اثر نفوذ و فشار برخی مقامات بلند پایه دولتی، این قاچاقچیان آزاد شدند. گل محمد فرمانده پولیس امنیتی غزنی در گفتگو با خبر نگار رادیو دري برون مرزي گفت قاچاقچیان در گذشته چند بار موفق به انتقال سنگهای با ارزش به خارج از افغانستان شده اند و برخی مقامات پلیس غزنی هم با آنها همکاری کرده اند.))

این 15 لاری که حامل سنگهای معدنی قیمتی بودند، درست زمانی مشغول قاچاق این سرمایه ملی کشور به خارج از کشور بودند که قاچاقچیان اصلی و سردمداران قاچاق، احمد ضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهور و محمد یونس قانونی رئیس پارلمان کشور نیز بجرم حمل غیر قانونی پنج میلیون دالر و یک کیلو لاجورد یا الماس در (دوبی) به چنگ پولیس می افتند. اما بوسیله حامیان بین المللی شان نجات یافته و نزد فامیل های شان در دوبي و لندن میروند و رانندگان لاری های قاچاق شانرا نیز از چنگ پولیس آزاد می سازند.

این باند مافیائی اختاپوس هزار دست و چند سری را می مانند که یک سر در تهران دارند و سر دیگر در ماسکو و سر دیگر در دهلی و دبی و امارات و.... و هزار دست شان هم به چور و چپاول و تاراج و قاچاق و قتل و جنایت و فساد و رزالت در داخل کشور به شدت فعالیت دارند. نظر بگفته گل محمد فرمانده پولیس امنیتی غزنی این قاچاقچیان چند بار موفق به انتقال قاچاق شان بخارج از کشور شده اند و به پولیس غزنی هم باج میدهند و مقامات بلند پایه دولتی از آنها حمایت میکنند. بلی چرا نکنند. لاری ها از خودشان اند رانندگان در استخدام شان اند و مال ملت را هم میراث پدر خود میدهند. چرا هم ندانند؟

آخر جهاد کرده اند. تمام ملت میراث بابای شان است. جهاد کردن خو مفت نیست. حق مسلم شان است که مال ملت را چور کرده و به خارج انتقال دهند. خود جنابان از مصونیت دیپلماتیکی خود استفاده کرده پول های به غارت برده شانرا از طریق دهلی و امارات و دوبي به خارج از کشور انتقال داده و مشغول خرید قصر ها و بلند منزل ها و بزنس ها در خارج از کشور اند و گماشتگان شان با کاروان هایی از لاری ها هر آنچه قابل انتقال است، آزادانه از کشور کشیده و به خارج انتقال میدهند.

آقای قانونی در حالیکه پارلمان کشور در حال تعطیل است، مدعی میشود که به دعوت پارلمان انگلستان به لندن رفته است. بگمانم زمانیکه پارلمان کشور در حال تعطیل باشد، رئیس پارلمان کاملاً یک فرد عادی شمرده میشود و پارلمان انگلستان نمی تواند از رئیس پارلمان دعوت رسمی نماید، چون پارلمان در حالت تعطیل بسر میبرد. و این مطلب را پارلمان انگلستان بخوبی میداند. اینکه آقای قانونی این نازکی را درک نکرده است، از نادانی شان است.

از جانب دیگر اگر قبول کنیم که قانونی در حالیکه پارلمان کشور تعطیل است و آقای قانونی به حیث رئیس پارلمان هم در تعطیلات خویش بسر میبرد و باز هم مشغول یک سفر رسمی است، پس چرا خبر این سفر رسمی و خبر دعوت آقای قانونی به انگلستان از جانب مقامات افغانستان به اطلاع مردم رسانیده نشد. در حالیکه در سفر قبلی شان به امریکا، که به دعوت مقامات امریکائی صورت گرفته بود، چندین بار خبر مسافرت شان به امریکا به اطلاع مردم رسانیده شده بود. خبر مسافرت احمدضیاء مسعود هم هرگز به اطلاع مردم رسانیده نشد، چون یک سفر رسمی نبود. اما دیدیم و شنیدیم که درست زمانیکه از چنگ پولیس نجات داده میشوند، سرخط خبرهای تلویزیون (آریانا-بیات) را دوخبر در مورد احمد ضیاء مسعود و محمد یونس قانونی تشکیل میدهد.

فلم ها چند روز کهنه اند و هر دو هیچ چیزی برای گفتن ندارند. از طرف دیگر اگر قبول کنیم که یونس قانونی باوجودیکه در تعطیلات بسر میبرد، باز هم مشغول یک سفر رسمی است، احمدضیاء مسعود به یقین کامل که مشغول

یک سفر غیر رسمی بوده و به دیدار فامیل خود رفته است. (ورنه مسافرت رسمی معاون اول رئیس جمهور کشور به یک کشور خارجی صدالبته که به اطلاع مردم رسانیده میشد)، پس آیا این عاقلانه خواهد بود که ایشان از داخل ویلای شان دردوبی، در مورد مبارزه باتروریزم صحبت نمایند و تلویزیون آریانا خبر آنرا از داخل افغانستان پخش نماید؟

هر انسان عاقلی درک میکند که به اصطلاح حتما چیزی بوده است، چه گفته اند تا نباشد چیزی، مردم نگویند چیزها. آقایان ضیاء مسعود و یونس قانونی اگر شما امروز از چنگ عدالت فرار کردید، به یقین فردا دوباره به سراغ تان خواهد آمد. اگر آقای قانونی دیروز از اختلاس بیست (20) میلیون دالر در زمان تصدی وزارت معارف به مردم حساب نداد و از چنگ عدالت گریخت و امروز بوسیله مافیای بین المللی بار دیگر نجات داده میشود، به یقین فردا از چنگ مردم فرار کرده نمی تواند.

بگفته مشهور ((یکبار جستی ملخک، دوبار جستی ملخک، آخر به دستی ملخک)). اگر بخت با شما یاری کرد و از عدالت مردم جان سلامت بردید، عدالت خداوندی حتما گریبان تانرا گرفتگی است.

(باخبر باش که آه مظلوم سخت گیرد----- بسی کس را زتخت و بخت گیرد).

از مصطفی کاظمی درس عبرت بیگیرید که بیش از یک کفن نبرد. تره کی یک کفن هم نبرد. ببرک درحالت فجیعی جان داد و مرده اش هم جایی برای تدفین نداشت. نجیب و برادرش نه گور یافتند و نه کفن.... از خدا بترسید و با خون یتیم و بیوه این سرزمین بخون نشسته که سخت تاراجش کردید، تجارت نکنید. هیچ جنایتکاری تا امروز به جنایت خود اعتراف نکرده است و هیچ وطن فروشی نگفته است که بلی من وطن فروش بودم و از آقای قانونی و احمد ضیا مسعود و ربانی و سیاف و گلبدین وملا عمر و گلاب زوی و سروری و علومی و..... نیز این توقع را نداریم. اما تاریخ فراموشکار نیست و خداوند دیرگیر و سخت گیر است.

حون ناحق دست از دامان قاتل بر نداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را

پایان